

## اعتبارسنجی دعای علوی مصری: با محوریت کیفیت پذیرش دعای فرعون



حلیمه یداللهی کرسیکلا<sup>۱\*</sup>، سید علی اکبر ربیع نتاج<sup>۲</sup>،

سید محسن موسوی<sup>۳</sup>، محمد تقی اسماعیل پور معلم<sup>۴</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2025.31116.1174](https://doi.org/10.22084/DUA.2025.31116.1174)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲



### چکیده

ادعیه و زیارات در شیعه، علاوه بر جنبه‌های عبادی و معنوی، حاوی معارف دینی و تاریخی بسیار گران‌بهایی هستند که همواره مورد توجه پژوهشگران و علمای دینی قرار گرفته‌اند. یکی از مسائلی که در ارتباط با این آثار مطرح می‌شود، مسئله صحت سند و محتوای این دعاهاست. برخی از این متون از اعتبار بیشتری برخوردار هستند؛ درحالی‌که در موارد دیگر، مانند دعای علوی مصری ابهامات و پرسش‌های جدی درخصوص اصالت و سند آن وجود دارد. دعای علوی مصری که به امام زمان(ع) نسبت داده شده است، به‌عنوان دعایی که در عصر غیبت صغرا در عالم خواب به شخصی از سادات منتسب به امیرالمؤمنین(ع) تعلیم داد شده، شناخته می‌شود. پژوهش حاضر با روش اسنادی-انتقاد، در پی بررسی دقیق سندی و محتوایی این دعا است. نتایج این تحقیق نشان داد که ضعف‌های موجود در سلسله سند دعا، ابهام در شرایط دریافت آن - که در عالم خواب رخ داده است - و وجود تناقضات محتوایی با آموزه‌های قطعی اسلام، باعث تردید در صحت انتساب این دعا به امام زمان(ع) شده است.

**کلیدواژه‌ها:** امام زمان(ع)، علوی مصری، غیبت صغرا، سلسله سند، نقد محتوایی

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث. دانشکده الهیات دانشگاه مازندران. ایران (نویسنده مسئول). [h.yadollahi12@gmail.com](mailto:h.yadollahi12@gmail.com)

۲- استاد تمام علوم قرآن حدیث. دانشکده الهیات دانشگاه مازندران. ایران [sm.rabinataj@gmail.com](mailto:sm.rabinataj@gmail.com)

۳- دانشیار علوم قرآن حدیث. دانشکده الهیات دانشگاه مازندران. ایران [m.musavi@umz.ac.ir](mailto:m.musavi@umz.ac.ir)

۴- استادیار علوم قرآن و حدیث. دانشکده الهیات دانشگاه مازندران. ایران [m.esmaeilpour@umz.ac.ir](mailto:m.esmaeilpour@umz.ac.ir)



## ۱. مقدمه

آنچه منابع اسلامی در ارتباط با دعای علوی مصری روایت می‌کنند، یکی از دعا‌های منسوب به امام زمان (ع) است که آن را به یکی از سادات علوی حسینی به نام محمد بن علی آموزش داده‌اند. وی که در زمان غیبت صغری در مصر ساکن بود و از طرف حاکم مورد تهدیدهای بسیار سختی قرار داشت، از ترس ظلم حاکم مصر، به حائر حسینی پناه می‌برد و به دعا و زاری مشغول می‌شود. در حالتی میان خواب و بیداری، امام زمان (ع) بر او ظاهر می‌شوند و توصیه می‌کنند که با یک دعای خاص در شب جمعه پس از غسل و نماز شب، به خداوند پناه برد. حضرت این دعا را طی چند شب به او می‌آموزند. پس از انجام اعمال صبح شنبه امام (ع) به او خبر می‌دهند که دعایش مستجاب و دشمنش کشته شده است. این دعا به دعای علوی مصری مشهور شده است (سید بن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۹). دعا با بهره‌بردن از فرازهای برجسته و با استناد به آیات الهی، به آموزه‌های دینی اسلام، چون توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد تأکید دارد. درخواست حفظ و ایمنی از شر دشمنان، طلب مغفرت و استغفار از خداوند، و رفع مشکلات فردی و اجتماعی، موضوعات اصلی آن هستند. با یادآوری سختی‌ها و چالش‌هایی که انبیاء الهی متحمل شده‌اند، بر توکل به خداوند و قدرت بی‌پایان او تأکید می‌شود. این دعا که در قرن ششم (ه ق) توسط سید بن طاووس در کتاب مهج الدعوات و منهج العبادات ثبت شده است (همان: ۲۷۹)، در میان شیعیان از جایگاه خاصی برخوردار است. البته در کنار پیشینه‌ای که برای این دعا نقل شده است، گروهی از اندیشمندان اسلامی آن را به‌عنوان روایت و متنی صحیح می‌شناسند. در مقابل، برخی دیگر نسبت به سند و متن آن اشکالاتی وارد می‌دانند. باین‌حال، بررسی‌های دقیق سندی و محتوایی این دعا، پرسش‌های جدی را درباره اصالت و انتساب آن به معصوم (ع) مطرح می‌سازد. وظیفه يك پژوهشگر آن است که در مقام مباحث نظری متون منسوب به پیشوایان معصوم (ع) را به‌دقت مورد ارزیابی قرار دهد، ساحت قدس ایشان را از متن‌های ساختگی که به ایشان انتساب داده می‌شود، پاک نماید (موسوی، ۱۴۰۰: ۵۱-۵۰). از این‌جهت، هدف این پژوهش، ارزیابی دعای علوی مصری با تمرکز بر دو محور اصلی سندی و محتوایی است. به عبارت دیگر، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که سلسله سند دعای علوی مصری با چه چالش‌هایی از منظر اعتبارسنجی رجالی و تاریخی روبه‌رو است؟ شرایط دریافت این دعا چگونه بر اساس مبانی حدیثی شیعه ارزیابی می‌شود و چه تأثیری بر حجیت آن دارد؟ چه ناسازگاری‌های محتوایی میان فراز مربوط به استجاب دعای فرعون، و آموزه‌های قطعی قرآن و سنت وجود دارد؟



## ۱-۱. پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت و جایگاه دعای علوی مصری در متون دینی، بررسی‌های محدودی انجام شده است. تنها پژوهش موجود در این حوزه، مقاله‌ای است با عنوان «بررسی روابط بینامتنی ادعیه مأثور امام زمان علیه السلام با قرآن کریم (نمونه موردی: دعای علوی مصری)» (۱۳۹۹ش) است. این پژوهش به تحلیل ارتباط محتوایی دعا با آیات و مفاهیم قرآنی می‌پردازد. همان‌گونه که مشخص است، هیچ پژوهش مستقلی درباره اعتبارسنجی سندی و محتوایی دعای «علوی مصری» صورت نگرفته است. بر این اساس در این پژوهش، تلاش شده است به این دعا از این منظر پرداخته شود

## ۲. چالش‌های سندیت دعای علوی مصری

### ۲-۱. اهمیت بررسی سند در اعتباردعاها و زیارت‌ها

سند به زنجیره‌ای از راویان و نقل‌کنندگان یک روایت اشاره دارد که اعتبار و صحت آن را مشخص می‌کند. بررسی سند روایات یکی از روش‌های اصلی در علم حدیث است که هدف آن تأیید یا رد صحت انتساب روایت به معصومان (ع) است. این مرحله توسط پژوهشگران حدیث با دقت انجام می‌شود تا اطمینان حاصل شود که متن روایت یا دعا به‌درستی نقل شده و به‌خطا یا تحریف دچار نشده است. برخی استدلال می‌کنند که دعا نیازی به سند ندارد و با استناد به قاعده مَنْ بَلَغَ می‌توان آن را پذیرفت؛ چرا که دعا صرفاً یک دعا است. از طرفی، عده‌ای بر این باورند که ادعیه و زیارات به‌عنوان متون یا مشهورات، نیازی به مدرک ندارند و می‌توان آن‌ها را به امید ثواب تلاوت کرد. به این ترتیب، هر دو دیدگاه بر عدم ضرورت بررسی سند برای دعاها تأکید دارند. «به نظر می‌رسد بحث درباره اینکه دعاها و زیارت‌ها به سند نیاز دارند یا خیر، نمی‌تواند یک حکم کلی داشته باشد. ضرورت وجود سند بستگی به متن دعا دارد. دعا اگر فقط دعایی صرف باشد و هیچ گزاره خبری در آن نباشد، قابلیت صدق و کذب ندارد؛ اما از دو جنبه نیازمند سند است: ۱. انتساب دعا به شخصیت معصوم (ع) ۲. ارائه خواسته نادرست یا قبیح. جدای از این نکته ساده، نکته مهم‌تری در ضرورت وجود سند برای دعاها و زیارت‌ها قابل توجه است؛ و آن اینکه ادعیه اسلامی و مخصوصاً شیعی، «دعای صرف» و «جمله انشایی صرف» نیستند، بلکه آن‌ها، جملات خبری نیز در خود دارند؛ یعنی ادعیه شیعه، غالباً شامل معارف و اعتقادات خاص دینی و گزاره‌های خبری تاریخی و مذهبی هستند که این ادعیه و زیارات، مرجع استناد برای مطالب دیگر دینی واقع می‌شوند. مثلاً می‌گویند فلان اعتقاد شیعی، «لازم الاعتقاد» است، چرا؟ چون در فلان دعا آمده است که ... یا فلان عمل، واجب یا مستحب است، چرا؟ چون در فلان زیارت آمده است که ... بنابراین، با پذیرش یک دعا و



زیارت، ممکن است مطلب نادرستی پذیرفته و رایج شود و از این منظر، دعا جدای از بلندمرتبه‌گی متن و عدم تناقض در محتوا، نیازمند سند است. بسیاری از اعتقادات ما شیعیان، بر ساخته از محتوا و متن ادعیه و زیارات است؛ یعنی اگر ادعیه و زیارات را از مذهب تشیع حذف کنیم، اشتراکات بیشتری با دیگر فرق اسلامی پیدا می‌کنیم. بنابراین به نظر می‌رسد که نیاز است اسناد ادعیه و زیارات، به صورت ویژه، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند تا اگر واقعاً برخی از آنها ضعیف یا مجعول هستند، مشخص گردد» (استادی، ۱۴۰۲: ۵۴-۵۵). بر این پایه، هنگامی که ادعیه حاوی معارف، عقاید و گزاره‌های تاریخی یا مذهبی باشند، شایسته است که اعتبار آن‌ها با ارائه سند مورد بررسی قرار گیرد. دعای علوی مصری به دلیل برخورداری از گزاره‌های اعتقادی و معارف دینی، از این قاعده مستثنی نیست؛ چرا که فرازهایی همچون «استجبت له دعاءه» یا «حکم به علی نفسه» به وقایع تاریخی و حقایق الهی اشاره دارند. از این رو، برای اطمینان از صحت انتساب این دعا به امام معصوم (ع) و اعتبار محتوای آن، بررسی اسناد و مدارک این انتساب ضروری است. وجود چنین گزاره‌های خبری در دعا، بدون پشتوانه سندی معتبر، می‌تواند به تحریف معارف اعتقادی و انتشار اطلاعات نادرست در ساحت دین منجر شود.

## ۲-۲. بررسی اسناد دعای علوی مصر

۲-۲-۱. پیشینه سند

نخستین اشاره به دعای علوی مصری در کتاب مهج الدعوات و منهج العبادات در قرن ششم (ه ق) مشاهده می‌شود. پیش از این اثر، هیچ مدرک مستند و قابل اعتمادی دال بر وجود این دعا یافت نشده است. این دعا در ادامه به منابع روایی دیگری همچون البلد الامین و الدرع الحصین (کفعمی، ۱۴۱۸: ۳۹۳) بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۵۱) و دیگر آثار راه یافته است. بنابر نقل دعا، حسین بن علی بن هند، در سال ۳۹۶ (ه ق) اقدام به نگارش دعای علوی مصری در کتاب خود نموده است. از سوی دیگر، احمد بن طولون، حاکم ظالم مصر که محمد بن علی العلوی الحسینی از دست وی گریخت (سید بن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۹). در فاصله سال‌های ۲۲۰ یا به قولی ۲۱۴ تا ۲۷۰ (ه ق) (طبری بی‌تا: ۹/ ۶۶۶؛ ابن تغردی بردی، ۱۳۹۲: ۱/۳؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ۴۷/۲۰)، همزمان با دوره غیبت صغرا-۲۶۰ تا ۳۲۹ (ه ق) - می‌زیسته است؛ بنابراین، بین واقعه‌ای مرتبط با دعای علوی مصری و اولین ثبت مکتوب دعا، فاصله‌ای حدود صد سال مشاهده می‌شود. اهمیت این نکته در آن است که فقدان سند اولیه‌ای که به طور مستقیم این دعا را به امام زمان (ع) مرتبط کند، چالش جدی در تعیین اعتبار و اصالت آن ایجاد می‌کند. فاصله زمانی قابل توجه بین ادعای دریافت دعا از امام زمان (ع)



و اولین ثبت مکتوب آن، احتمال تحریف و تغییر در متن دعا را به مرور زمان افزایش می‌دهد. بر پایه همان نقل، سند با عبارت «يقول علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن محمد الطائوس مصنف هذا الكتاب وجدت في مجلد عتيق» شروع می‌شود (سید بن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۹). سید بن طاووس به منبع اولیه دعای علوی مصری تنها به عنوان یک مجلد قدیمی اشاره کرده است. عدم ذکر نام دقیق کتاب و نویسنده این مجلد، یکی از مشکلات اصلی در بررسی سندیت این دعا محسوب می‌شود؛ چرا که امکان بررسی دقیق سلسله سند و محتوای اصلی این دعا را با دشواری مواجه می‌سازد و به تبع آن، اعتماد به روایت مذکور را کاهش می‌دهد. به عبارتی نامعلوم بودن راه رسیدن کتاب به ما و یا ناشناخته بودن نسخه اصلی و معرفی نشدن درست و صریح نویسنده زمینه تضعیف را فراهم می‌آورد، هر چند تا جعلی خواندن کامل یک کتاب، راهی طولانی در پیش است و نیاز به همراهی نشانه‌های دیگر دارد (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۷: ۵۶). سید بن طاووس به دو طریق نقل شده از کتاب حسین بن علی بن هند اشاره می‌کند:

طریق اول: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ حَمَّادٍ الْمِصْرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَلَوِيُّ الْحُسَيْنِيُّ الْمِصْرِيُّ (سید بن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۹).

طریق دوم: حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ الْعُرَيْضِيِّ بِحَرَّانَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَلَوِيُّ الْحُسَيْنِيُّ وَكَانَ يَسْكُنُ بِمِصْرَ (همان: ۲۸۰).

افزون بر آن، در کتاب جواهر المنثور، نوشته سید عبد الحسیب علوی، دو دعای بدون سند به انتهای دعای علوی مشهور اضافه شده است. همچنین جملاتی را پیش از متن دعای علوی موجود در مهج الدعوات و منهج العبادات آورده است. علاوه بر این، نویسنده بیان می‌کند که این اضافات را به خط جد خود، محقق داماد، یافته و در پایان دعای علوی مصری می‌خوانده است (مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۴: ۳۴۶). ۲-۲-۲. ابهام در شخصیت راویان

آنچه در بررسی سندیت روایات مرتبط با دعای علوی مصری به چشم می‌خورد، ابهام در شخصیت راویان آن است. این دعا در دو سند ذکر شده، راویان مشترکی دارد.

۲-۲-۱- محمد بن علی العلوی الحسینی، ابوعلی احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق بن جعفر بن محمد العلوی العریضی حران و ابوالحسن علی بن حماد المصری: این سه راوی تنها در ارتباط با این دعا شناخته شده‌اند و منابع تاریخی و رجالی دیگری درباره آن‌ها موجود نیست. ارتباط محمد بن علی العلوی الحسینی، به عنوان ناقل اصلی دعا و مدعی دیدار با امام زمان (ع) و احمد بن طولون، حاکم مستبد مصر، فاقد مستندات تاریخی قوی است. حتی در قیام‌های



علویان علیه احمد بن طولون، مانند ثورة ابن الصوفي العلوي و ثورة بغا الأصغر (ن.ک: علی إبراهیم، ۱۹۵۴: ۷۷-۷۵: ن.ک: الحویری، ۲۰۰۲: ۹۹-۱۰۰)، اثری از وی یافت نمی‌شود. برخی احتمال داده‌اند که وی در میان علویان و شیعیانی بوده که به‌صورت مخفیانه در مصر زندگی می‌کردند، اما این احتمال نیز فاقد سند تاریخی معتبر است. فقدان شواهد قوی در خصوص شخصیت تاریخی به نام محمد بن علی العلوي الحسيني بزرگ‌ترین چالش در اعتبار این روایت محسوب می‌شود.

## ۲-۲-۲. حسین بن علی بن هند

او به‌عنوان نویسنده اصلی این دعا معرفی شده است، اما با توجه به ابهام در شخصیت دیگر راویان و عدم وجود اطلاعات مستند درباره او، نمی‌توان به‌سادگی به او به‌عنوان یک راوی اعتماد کرد.

## ۲-۲-۳. ابوالمختار الحسینی

آگاهی درباره این راوی نیز تنها به این روایت خاص محدود می‌شود؛ بنابراین، نمی‌توانیم با اطمینان در مورد هویت، جایگاه یا حتی وجود تاریخی او اظهار نظر کنیم.

## ۲-۲-۳. شرایط دریافت دعا

یکی از مباحث مطرح‌شده درخصوص روایت دیدار علوی مصری با امام زمان (ع) در خواب و استجابت دعای او، ریشه در ماهیت رؤیا دارد. دو سند مورد بررسی به‌طور ضمنی به نحوه دریافت دعا در حالت خواب و بین خواب و بیداری اشاره دارند. در مقدمه سند اول، بنا بر نقل از کتاب حسین بن علی بن هند، نحوه دریافت دعا را در عالم خواب توصیف می‌کند: «دعاء العلوي المصري مما هذا لفظه و إنسانه دعاء علمه سيدنا المؤمل ص رجلا من شيعته و أهله في المنام و كان مظلوما ففرج الله عنه و قتل عدوه» (سید بن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۹). در ادامه اشاره شده است که این اتفاق در حالتی بین خواب و بیداری رخ داده است: «وَأَنَا بَيْنَ النَّائِمِ وَالْيَقْظَانِ» (همان، ۲۸۰-۲۷۹). حتی اگر بخواهیم آن را مکاشفه بنامیم، باز هم مشخص است که در عالم رؤیا اتفاق افتاده است. (دوزدوزانی، ۱۴۱۳: ۲۱). این نوع نقل، با مفهومی به نام «احادیث منامیه» مرتبط است که بحث‌های فراوانی را در میان اهل دانش برانگیخته است. برخی راویان ادعا کرده‌اند که معصومان (ع) را در رؤیا دیده و حدیثی را از ایشان شنیده یا حدیثی را بر ایشان عرضه داشته‌اند. این امر به دلیل نقل حدیث بدون واسطه از معصوم، از اهمیت بالایی برخوردار است. برای مثال، در کتاب الامالی شیخ مفید، روایتی از احمد بن یحیی الاودی نقل می‌شود که او پس از شنیدن حدیثی از امام حسین (ع) با چند واسطه، خود امام را در خواب دید و حدیثی را بر ایشان عرضه



کرد. پس از تأیید امام، او گفت: «سَقَطَ الْإِسْنَادُ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ» - سلسله سند میان من و شما برداشته شد - و حدیث را مستقیماً از امام روایت کرد (مفید، ۱۴۱۳: ۳۴۰).

موضوع دیدار با امام زمان(ع) در خواب، همواره مورد بحث و بررسی شیعیان بوده است. اگرچه اصل امکان دیدار با امام زمان(ع) در خواب مورد تأیید بسیاری از بزرگان دینی است، اما هر رؤیایی را نمی‌توان به عنوان دیدار حقیقی تلقی کرد. روایات، رؤیاها را به سه دسته، بشارت الهی، خیالات نفسانی و وحشت افکنی شیطانی تقسیم می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۱/۵۸). با توجه به این تقسیم‌بندی، احتمال دارد که دیدن شخصی که ادعای امامت می‌کند یا به ذهن می‌رسد که امام زمان (ع) است، ناشی از تلقینات نفسانی و شیطانی یعنی آرزوها، توقعات و باورهای فردی باشد که می‌توانند بر محتوای خواب تأثیر گذاشته و باعث ایجاد رؤیاهای کاذب شوند. حتی مدعیان مهدویت به این نکته باور دارند که جن‌ها و شیاطین می‌توانند در خواب به شکل معصومین(ع) ظاهر شوند (بصری، ۱۴۱۳: ۳۲۱/۱). اگرچه برخی روایات به صراحت بیان می‌کنند که شیطان نمی‌تواند به شکل معصوم(ع) درآید. برای مثل (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۸۵/۲)، اما علما ایراداتی بر حجیت شرعی رؤیا وارد کرده‌اند که به‌طور مستقیم بر اعتبار دعای علوی مصری تأثیر می‌گذارد.

**۲-۳-۱. چالش شناسایی معصوم:** علما این پرسش کلیدی را مطرح می‌کنند، فردی که معصوم را در بیداری ندیده، چگونه می‌تواند اطمینان یابد صورتی که در خواب دیده، واقعاً خود معصوم است؟ نراقی تأکید می‌کند که «دیدار معصوم در خواب فرع آن است که او را در بیداری ندیده باشیم، وگرنه چگونه می‌توان گفت آنکه را در خواب دیده معصوم است؟ آنچه مسلم است حجیت کلام معصوم در بیداری و وضع عادی است، نه در خواب و رؤیا و سرانجام، قول مشهور عدم حجیت را پذیرفته است» (نراقی، بی‌تا: ۱۹۱). **جواد آملی یادآور می‌شود که: «اما مشکل این است که بیشتر ما امامان معصوم(ع) را ندیده‌ایم و اگر صورتی نورانی در خواب بینیم که صاحب آن ادعا کند که من امام هستم، چگونه او را بشناسیم؟ از کجا معلوم شیطانی که ادعای ربوبیت کرده، ادعای نبوت و امامت نکند؟» (جواد آملی، ۱۳۸: ۱۳۸۸).** با توجه به این مبانی، این پرسش مطرح است که آیا راوی پیش از ادعای دیدار با امام زمان (ع) در خواب، ایشان را در بیداری ملاقات کرده است؟ تا برای وی یقین حاصل شود کسی را که در خواب دیده است، امام مهدی(ع) است. این مباحث، اعتبار ادعای راوی را به‌طور جدی زیر سؤال می‌برد، به‌ویژه اینکه تاکنون شواهد مستندی برای اثبات دیدار در بیداری علوی مصری با امام مهدی(ع) ارائه نشده است.



## ۲-۲-۳-۲. ابهام در شرایط دریافت

بر اساس متن دعا، این اتفاق در دوره حکومت احمد بن طولون در مصر، که در سال ۲۷۰ (ق.ه) به پایان رسید، رخ داده است (طبری، بی تا: ۶۶۶/۹؛ ابن تغردی بردی، ۱۳۹۲: ۱/۳؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۴۷). این امر، بازه زمانی رویداد را به سال‌های ۲۶۰-۲۷۰ (ق.ه) یعنی در دوران نیابت نائب اول، عثمان بن سعید، یا سال‌های آغازین نیابت نائب دوم، محمد بن عثمان در عصر غیبت صغری محدود می‌کند. در این دوره حساس، ارتباط با ناحیه مقدسه نه از طریق رؤیاهای شخصی، بلکه از طریق یک شبکه ارتباطی بسیار دقیق و سازمان‌یافته به نام، نظام وکالت مدیریت می‌شد. این شبکه متشکل از سفرای خاص و وکلای متعددی بود که در شهرهای مختلف حضور داشتند که راه رسمی و مورد تأیید امام (ع) برای ارتباط با شیعیان بودند. شیخ صدوق، به نقل از محمد بن ابی عبدالله کوفی، فهرستی از این وکلا را نام می‌برد که در مناطق کلیدی حضور داشتند (صدوق، ۱۳۹: ۴۴۲/۲). نکته مهم اینجاست که علوی مصری برای حل مشکل خود از مصر به عراق سفر کرده و در حائر حسینی پناه گرفته است. طبق فهرست شیخ صدوق، پ در همان زمان و در نزدیکی محل حضور او، وکلای امام (ع) فعال بوده‌اند؛ از جمله عاصمی در کوفه و دیگرانی چون حاجز و البلالی در بغداد. (همان)، این پرسش مطرح می‌شود چرا ناحیه مقدسه باید کانال ارتباطی امن و معتبر خود را نادیده گرفته و از طریق یک رؤیای خصوصی که حجیت شرعی ندارد، پیامی با این اهمیت را منتقل کند؟ چرا صحت این رؤیای مهم از این طریق بررسی و تأیید نشده؟ پرسشی بی‌پاسخ است که بر ابهامات می‌افزاید. چرا که با توجه به وجود این مسیر ارتباطی معتبر، روی آوردن به یک روش غیرقابل اثبات مانند رؤیا، خود به تنهایی می‌تواند به عنوان یک چالش جدی در خصوص اعتبار این واقعه مطرح شود و این احتمال را تقویت می‌کند که این روایت، بیش از آنکه گزارشی تاریخی باشد، حکایتی است که با واقعیت‌های آن عصر سازگاری ندارد.

## ۲-۲-۳-۳. چالش حفظ و ضبط دقیق در شرایط رؤیا

یکی از چالش‌های اساسی در پذیرش این نقل، شرایط دریافت آن یعنی عالم رؤیا است. گذشته از دشواری حفظ و ضبط دقیق یک متن طولانی در چنین حالتی که احتمال فراموشی و تحریف را افزایش می‌دهد، ماهیت خود رؤیا نیز محل تأمل است. بر اساس مبانی فلسفی و اسلامی، رؤیا امری ادراکی است که «قوه خیال» در آن نقشی محوری ایفا می‌کند. طباطبایی می‌گوید: «این قوه، دائماً فعال است و محتوای خود را از منابع مختلفی می‌گیرد؛ از جمله عوامل خارجی‌ای مانند گرما و سرما، عوامل داخلی‌ای مانند بیماری و پر بودن معده و مهم‌تر از همه، حالات روانی و سجایای اخلاقی فرد. علامه تأکید می‌کند



که صفاتی مانند عشق، ترس، خشم و کینه، هر یک به نوبه خود، صور ذهنی متناسب با خود را در عالم خواب تولید می کنند. به همین دلیل، اغلب رؤیاها از دسته «تخیلات نفسانی» هستند که در واقع بازتابی از همین حالات درونی فرد می باشند» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۶۸/۱۱-۲۷۳). با در نظر گرفتن این اصل، شرایط روانی راوی در زمان مشاهده رؤیا اهمیت ویژه ای می یابد. او فردی بود که تحت تهدید شدید حاکم، در حالت اضطراب و ترس به حرم امام حسین (ع) پناه برده بود. این وضعیت بحرانی، این احتمال را به شدت تقویت می کند که رؤیای مشاهده شده، بیش از آنکه منشأ الهی داشته باشد، تجسمی از همین نگرانی ها و افکار پریشان او بوده است. همان طور که پیش تر بیان شد در متون دینی، رؤیا به سه دسته اصلی به سه دسته، بشارت الهی، خیالات نفسانی و وحشت افکنی شیطانی تقسیم می شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۱/۵۸). با توجه به شرایط روحی آشفته راوی، تمایز میان یک رؤیای صادق و خوابی که از تخیلات نفسانی و نگرانی های درونی خود او سرچشمه گرفته، بسیار دشوار می گردد. این عدم قطعیت، اعتبارسنجی این نقل را با چالشی مواجه می سازد؛ بنابراین، سوال مهمی که پیش می آید این است که چگونه می توان به دقت و صحت دعایی که در خواب نقل شده است، اطمینان داشت؟

**فقدان شواهد عینی:** روایت کشته شدن دشمن علوی مصری، به عنوان شاهی بر صدق روای وی ارائه شده است، آن بخشی که راوی دعا می گوید: «هنگامی که شب شنبه فرا رسید، آن حضرت بر من ظاهر شده و فرمودند: دعای تو مستجاب شد و دشمن تو در همان لحظه ای که تو از دعا فارغ شدی، به دستور همان کسی که تو را تهدید به قتل کرده بود، به قتل رسید. بامداد آن روز، با دلی آرام و روحی مطمئن، از خدمت سید و مولایم حضرت امام حسین علیه السلام مرخص شده و به سوی مصر رهسپار شدم. در حوالی اردن، یکی از همسایگانم را ملاقات کردم که مردی با ایمان و پرهیزگار بود. او به من خبر داد که دشمن قسم خورده ام به دستور احمد بن طولون به قتل رسیده است» (سید بن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۹-۲۸۰)، اما فاقد شواهد عینی و مستندات تاریخی قابل اعتماد است و مجهول بودن زنجیره راویان دعا، بزرگ ترین چالش در اثبات صدق این ادعا است.

### ۳. ارزیابی محتوایی دعای علوی مصری

در پژوهش های دینی، از مهم ترین معیارهای اساسی برای پذیرش روایات، دعاها و دیگر متون اسلامی، عدم تضاد آن ها با قرآن و سنت قطعی معصومین (ع) است. این معیار به عنوان یک اصل در بررسی و تحلیل دینی به کار می رود تا اطمینان حاصل شود که محتوای آن ها با آموزه های اصلی اسلام هم خوانی دارد. این مطلب در احادیث به حد تواتر رسیده است. روایت شده است «هرگاه حدیثی از من به شما برسد، آن را بر



کتاب خدا عرضه کنید، آنچه از آن موافق قرآن بود، بپذیرید و آنچه مخالف بود به دیوارش بکوبید» (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۵۰/۱).

در این راستا، بررسی دقیق و موشکافانه متون دینی ضروری است تا هرگونه تناقض احتمالی با قرآن و سنت شناسایی و تحلیل شود. در بررسی اولیه متن دعای علوی مصری، مفاهیم الهی با الهام از آیات قرآن کریم به روشنی در سراسر دعا تجلی دارد که نشان‌دهنده معنویت این دعا است؛ باین حال، مطالعه دقیق‌تر متن نشان‌دهنده ناسازگاری در برخی از بخش‌ها با قرآن کریم است. آنجا که بیان می‌شود: «رَبِّ هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ مَعَ عِنَادِهِ وَ كُفْرِهِ وَ عُتُوِّهِ وَ ادْعَائِهِ الرُّبُوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ وَ عِلْمِكَ أَنَّهُ لَا يُتُوبُ وَ لَا يُؤْمِنُ وَ لَا يَزْجَعُ وَ لَا يُتُوبُ وَ لَا يَحْشَعُ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ أَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ كَرَمًا مِنْكَ وَ جُودًا... حِينَ فَجَرَ وَ كَفَرَ وَ اسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ... بِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ وَ بَجَلَمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ فَكَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ أَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يَغْرُقَ فِي الْبَحْرِ فَجَزَيْتُهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ»؛ خداوند آن فرعونى که در مقابل دستگاه با عظمت تو کاخ‌ها برافراشت و سرکشی‌ها نمود و دعوى خدایى کرد و با اینکه تو مى دانستى، توبه نمى کند و قلبش در برابر ذات پاک تو خاضع نخواهد شد، دعایش را مستجاب کردى و خواسته او را برآوردى ... هنگامى که به ذات پاک تو کفر ورزید و راه بدى‌ها را پیمود و بر ملت خود راه ظلم و ستم در پیش گرفت ... و از حلم تو سوءاستفاده کرد و راه تکبر در پیش گرفت و خود بر خویشتن حکم نمود، به‌خاطر اعمالش در دریا غرق شود. بنابراین، تو او را به‌همان سرنوشتى دچار کردى که برای خویش تعیین کرده بود (سید بن طاوس، ۱۴۱۱: ۲۸۱). این عبارت افزون بر اینکه فرعون را به‌عنوان فردى سرکش، کافر و متکبر معرفی می‌کند، به نکته کلیدی نیز اشاره دارد. اینکه خداوند با وجود آنکه مى‌دانست او توبه نمى‌کند دعای او را اجابت کرد. با توجه به این اصل که هر مطلبی در معارف دینی باید مستند به آیات قرآن یا احادیث معصومین (ع) باشد، احادیثی که صدور آن‌ها از ناحیه یکی از معصومین (ع) قابل اثبات باشد؛ بر این اساس، با این پرسش مهم روبه‌رو هستیم آیا پذیرش دعای او مبنای قران و روایی دارد؟

### ۱-۳. کدام دعا فرعون مستجاب شد؟

پیش از آنکه به دلایل تناقض این بخش از دعا با منابع اسلامی بپردازیم، لازم است به این پرسش پاسخ دهیم که منظور از استجاب دعا فرعون چیست؟ آیا این استجاب به معنای پذیرش توبه او در لحظه غرق شدن بوده است یا به خواسته دیگری از او مربوط می‌شود؟



### ۳-۱-۱. پذیرش توبه

در قرآن، داستان فرعون و سرنوشت او در چندین سوره ذکر شده است، از جمله در سوره‌های قصص (آیات ۳۸ تا ۴۰)، زخرف (آیات ۴۶ تا ۵۶) و نازعات (آیات ۱۵ تا ۲۵). این آیات به‌ویژه بر تکبر و سرکشی فرعون، مخالفت او با پیام‌های الهی و پیامدهای نافرمانی او و قومش تمرکز دارند. در سوره یونس آیات (۹۰ تا ۹۲)، داستان توبه فرعون برجسته شده است. در این آیات آمده است که فرعون در لحظه غرق شدن، ایمان خود را اعلام کرد و گفت: «ایمان آوردم که معبودی جز آن که بنی‌اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، نیست و من از مسلمانانم» (یونس/۹۰)، اما خداوند توبه او را نپذیرفت و خطاب به او فرمود: «اکنون؟ درحالی‌که پیش از این نافرمانی کردی و از مفسدان بودی» (همان/۹۲). بر اساس دیدگاه مفسران، از جمله طبرسی (۱۴۱۲: ۱۲۶/۲) و طباطبایی (۱۳۹۳: ۱۱۷/۱۰)، عدم پذیرش توبه فرعون به این دلیل بود که او پس از عمری نافرمانی و استکبار، در لحظه‌ای که از هلاکت خود اطمینان یافت، ایمان آورد و این نوع ایمان در هنگام مشاهده عذاب پذیرفته نمی‌شود. روایات نیز بر عدم پذیرش توبه فرعون دلالت دارد (صدوق، ۱۳۹۸: ۷۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۴/۱۳). بنا بر دیدگاه قرآن و روایات، منظور از استجابت دعا، پذیرش توبه او نبوده است.

### ۳-۱-۲. کاوش مستندات عبارت «استَجَبْتُ لَهُ دُعَاءَهُ»

با توجه به رد قطعی پذیرش توبه فرعون در قرآن، این پرسش مطرح می‌شود که عبارت «استَجَبْتُ لَهُ دُعَاءَهُ»، در دعای علوی مصری به کدام خواسته او اشاره دارد؟ جستجو در منابع اصلی، یعنی قرآن و سنت، برای یافتن مصداق مشخصی از این ادعای کلی، ضروری است. پس از بررسی، مشخص می‌شود تنها روایتی که به استجابت دعایی از فرعون اشاره دارد، داستان درخواست پنهانی او از خداوند برای پرآب شدن رود نیل است. برای نمونه، می‌توان به روایتی در کتاب علل الشرایع (صدوق، ۱۳۸۵: ۵۸/۱) و همچنین روایتی از امام صادق (ع) در کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق اشاره کرد (همان، ۱۴۱۳: ۵۲۶/۱) که هر دو به این موضوع می‌پردازند. افزون بر این، برخی از کتاب‌های تفسیری اهل سنت نیز روایتی در این ارتباط از کعب الاحبار نقل کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۷۷/۸) که به آیات (۹۰ تا ۹۲) سوره یونس مرتبط می‌شوند؛ بنابراین صحت سنجی این بخش از دعا، به اعتبار همین روایت وابسته است؛ زیرا اگر این تنها مستند موجود برای ادعای دعا، از نظر سندی و محتوایی مردود باشد، آن‌گاه ادعای کلی «استَجَبْتُ لَهُ دُعَاءَهُ» فاقد هرگونه پشتوانه معتبر دینی خواهد بود.



### ۲-۳. صحت سنجی سند روایات

پیش از هر چیز، ضروری است به بررسی سلسله سند روایات شیعه و همچنین اعتبار نقل کعب الاحبار در منابع اهل سنت پرداخته شود. آیا این روایات از نظر سندی قابل قبول هستند؟

#### ۱-۲-۳. روایات شیخ صدوق درباره استجابت دعای فرعون

۱-۲-۳-۱. روایت «من لایحضره الفقیه»

این روایت از امام صادق(ع) نقل شده، است. در این داستان، فرعون پس از شکایت یارانش از خشکی نیل، دست به دعا برمی دارد و می گوید: «خدایا، تو می دانی که من می دانم جز تو کسی نمی تواند آب را بیاورد، پس آن را برای ما بیاور» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/ ۵۲۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۶/ ۵۰۳). این روایت به دلیل مرسل بودن، از نظر سندی ضعیف محسوب می شود.

۲-۱-۲-۳. روایت «علل الشرایع»

این روایت با سلسله سندی از عبدالله بن عمر و مانند روایت پیشین، با خشکسالی نیل به این صورت آغاز می شود: «حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَسْوَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مَكِّيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَعْدَوَيْهِ الْبُرْدَعِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا نُوحُ بْنُ الْحَسَنِ أَبُو مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ سُوَيْدٍ الرَّمْلِيُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْحَارِثِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍ». مضمون اصلی روایت بر این استوار است که فرعون به صورت پنهانی و با تضرع، از خداوند درخواست می کند که رود را جاری سازد و می گوید: «خدایا، من به عنوان یک بنده ذلیل به سوی مولای خود آمده ام و می دانم که جز تو هیچ کس نمی تواند آن را جاری کند، پس آن را جاری کن». پس از اجابت دعا، رود نیل چنان جاری شد که هرگز مانند آن جاری نشده بود و در پی این رویداد، فرعون به نزد مردم بازگشت و گفت: «من رود نیل را برای شما جاری ساختم، پس همه در برابر او به سجده افتادند». در ادامه روایت، به داستانی دیگر اشاره می شود که در آن جبرئیل به صورت ناشناس نزد فرعون می آید و از او درباره جزای بنده سرکشی که با مولایش دشمنی می کند، نظرخواهی می شود. فرعون در پاسخ جبرئیل، حکمی مبنی بر غرق شدن آن بنده در دریا صادر می کند. «و عَرَضَ لَهُ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ أَيُّهَا الْمَلِكُ أَعِنِّي عَلَى عَبْدٍ لِي قَالَ فَمَا قِصَّتُهُ قَالَ إِنَّ عَبْدًا لِي مَلَكَهُ عَلَى عِبِيدِي وَ خَوَّلْتُهُ مَقَاتِيحِي فَعَادَانِي وَ أَحَبَّ مِنْ عَادَانِي مَنْ أَحْبَبْتُ قَالَ بَشِّرْ الْعَبْدَ عَبْدُكَ لَوْ كَانَ لِي عَلَيْهِ سَبِيلٌ لَأَغْرَقْتُهُ فِي بَحْرِ الْقَلْزَمِ قَالَ أَيُّهَا الْمَلِكُ اكْتُبْ لِي بِذَلِكَ كِتَابًا فَدَعَا بِكِتَابٍ وَ دَوَاةٍ فَكَتَبَ». این حکم که فرعون با دست خود نوشت، در نهایت، در لحظه غرق شدنش در



دریا، توسط جبرئیل به او نشان داده می‌شود تا بفهمد که خودش حکمی را علیه خودش صادر کرده است (صدوق، ۱۳۸۵: ۵۸/۱).

۱-۲-۱-۲-۳. بررسی سندی

بررسی اسناد نشان می‌دهد که برخی راویان، مانند نُوحُ بْنُ الْحَسَنِ أَبُو مُحَمَّدٍ وَ زَيْدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ، در منابع رجال و تاریخی یافت نمی‌شوند. گروهی دیگر، مانند مَكِّيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَعْدَوَيْهِ الْبَزْدَعِيُّ که أحد الرحالة في طلب الحديث (ابن جوزی، بی‌تا: ۱۷۳/۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۲: ۲۳۳/۲۵) است، توصیفی ندارند. ابهام در مورد نام‌های مشترکی مانند أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، «مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ عمرو بن الحارث (طوسی، ۱۳۸۱: ۴۴-۷۷) نیز وجود دارد.

دربارۀ ابوالحسن علی بن عبدالله بن احمد الأسواری، با وجود آنکه برخی او را از مشایخ شیخ صدوق شمرده‌اند. (خویی، ۱۴۱۰: ۸۰ / ۱۲) که در ایلاق- ترکستان امروزی- از وی روایت نقل کرده است (العمیدی الحسینی، ۱۳۷۶: ۱۲۱) اختلاف نظر وجود دارد. گاه او را فقیه و زمانی مجهول توصیف می‌کند (صدوق، ۱۳۸۵: ۳۷۹/۲؛ ۵۸/۱).

برخی دیگر، مانند عبدالله بن عمر در شمار مشترکات مجهول قرار دارند. خویی او را صحابه رسول خدا (ص) می‌داند (خویی، ۱۴۱۰: ۲۶۷/۱۰). درحالی‌که حلی او را از اصحاب امام باقر(ع) و مجهول معرفی می‌کند (حلی، ۱۴۱۱: ۲۳۶). همچنین، به نقل از طوسی، عبدالله بن عمر راوی هشام بن الحارث و از اصحاب امام صادق (ع) بوده است (طوسی، ۱۳۸۱: ۲۳۰-۲۶۴). خویی همچنین اشاره می‌کند که او با نام عبدالله بن عمرو نیز شناخته شده و مجهول است (خویی، ۱۴۱۰: ۲۶۷/۱۰) علاوه بر این، برخی راویان مانند ایوب بن سوید الرملی از راویان ضعیف محسوب می‌شوند (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۲۳/۲؛ بخاری، بی‌تا: ۴۱۷/۱؛ خلف، ۱۴۰۹: ۲۲/۱؛ ابن ابی حاتم الرازی، ۱۲۷۱: ۲۴۹/۲؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۱۴۲/۸). بدین‌سان در این اسناد با مجموع راویان مجهول و ضعیف روبه‌رو هستیم.

### ۲-۲-۳. روایت کعب الاحبار

برخی مفسران اهل سنت نقلی از کعب الاحبار ذیل آیات (۹۰-۹۲) سوره یونس در این ارتباط آورده‌اند که به نظر می‌رسد که اولین نفر از این نظریه قرطبی باشد. این نقل به این صورت است که در زمان فرعون، خداوند رود نیل را از جریان باز داشت، قبطیان به او گفتند: اگر تو خدای ما هستی، پس آب را برای ما جاری کن. فرعون به جایی رفت که دیده نمی‌شد، به سجده افتاد و با تضرع از خدا کمک خواست.



خداوند نیز آب را برای او جاری ساخت. در ادامه این روایت، داستان جبرئیل و حکم فرعون مطرح می‌شود که در علل الشرایع به آن اشاره شده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۷۷/۸).

### ۳-۲-۱. بررسی اعتبار روایت وریشه‌های اسرائیلی

کعب الاحبار، یهودی تازه‌مسلمانی بود که با داشتن اطلاعات وسیع از متون یهودی، توانست در میان مسلمانان نفوذ کرده و روایات برگرفته از یهود و نصاری، به‌عبارتی دیگر، اسرائیلات را که غالباً خرافی و بی‌اساس بوده‌اند، رواج دهد (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۱۸/۱؛ معین، ۱۳۶۳: ۲۶۵/۱). چنانکه در کلام معصوم (ع) به دروغ‌گویی او اشاره شده است (ابن ابی الحدید، بی‌تا: ۷۷/۴؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲۴۰/۴) و شیخ صدوق نیز روایات وی و وهب بن منبه را محال و مخالف با عقل و گفتار پیامبر (ص) می‌داند (صدوق، ۱۳۹۵: ۵۳۱/۲). این نگاه انتقادی، در دوران معاصر توسط پژوهشگرانی چون مبروک ابوزید با رویکردی تاریخی-انتقادی ابعاد جدیدی یافته است. وی در مقاله‌اش با عنوان «حرب اسرائیلیات فی صدر الاسلام» به‌طور گسترده به نقد و تحلیل روایات اسرائیلیات از جمله، روایت پرشدن رود نیل از کعب الاحبار می‌پردازد. او به‌صراحت می‌گوید: «تمام این حکایت‌ها و وهمی که بر زبان اعراب جاری شد، از اهل کتاب به آن‌ها رسیده است». همچنین به انگیزه کعب الاحبار در نقل این روایات می‌پردازد و هدف او را نه اطلاع‌رسانی تاریخی، بلکه تثبیت نام مصر و ستایش مبالغه‌آمیز آن در اذهان مردم می‌داند. او می‌نویسد: «کعب و همراهانش می‌خواستند نام مصر را بر سرزمین وادی نیل بنشانند و سعی در انتشار این ستایش‌ها کردند تا این نام به‌طور مستمر در ذهن مردم تثبیت شود». ابوزید این انگیزه را در کنار روایات دیگری قرار می‌دهد که هم‌زمان با ستایش سرزمین مصر، مردم بومی آن را تحقیر می‌کنند (مبروک ابو زید: ۲۰۲۳). این تحلیل، به صداقت کعب الاحبار در نقل این داستان‌ها شک دارد و نشان می‌دهد این روایات، بیشتر از آنکه حقایق تاریخی باشند، نتیجه تأثیرپذیری اعراب اولیه از داستان‌های یهودی هستند. بنابراین، اعتبار نقل کعب الاحبار نه تنها از جهت سندی، بلکه از نظر محتوایی نیز مورد تردید جدی قرار می‌گیرد؛ چرا که با انگیزه‌های فرقه‌ای، عقیدتی و سیاسی در ارتباط بوده‌اند.

### ۳-۳. صحت سنجی محتوایی

برخی با استناد به آیاتی از قرآن، مانند (وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ) (بقره/ ۱۸۶) و (وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) (غافر/ ۶۰)، می‌گویند که خداوند استجابت دعای



بندگان را مقید به شرط نکرده است واستجابت دعای فرعون برخلاف اصول الهی نیست، اما پذیرش این اصل الهی نباید موجب غفلت از اشکالات محتوایی این روایات شود.

۳-۱. تأیید عملی «اغراء به جهل»

اغراء به جهل به معنای کشاندن یا نگه داشتن شخص در جهل، مخفی کردن حقیقت، اظهار خلاف واقع و فریب دادن دیگران است (طریحی، ۱۴۰۸: ۱۳۱۷/۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶۳/۱۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۵۳۵/۱۵؛ ابراهیم انیس و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۵۱/۲). در اصطلاح، این مفهوم به همان معنای لغوی استفاده می شود و به معنای مخفی نگه داشتن حقیقت و نگه داشتن افراد در جهل یا اظهار خلاف واقع است (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۲۶۳/۲). در علم کلام اسلامی نیز قاعده ای با عنوان قبح اغراء به جهل وجود دارد که معنا و مقصود آن این است که بر خدا قبیح است که انسان را در جهل به مسائل اعتقادی یا فقهی باقی بگذارد و یا در این مسائل، خلاف حقیقت را به انسان نشان دهد (متقی نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳۹). خداوند در قرآن به حرمت تغریر جاهل در آیات (انعام/۱۱۹، ۱۴۴)، (لقمان/۶) و (نحل/۲۵) اشاره دارد. در این آیات برخی از مفسران «اضلال» را به راهنمایی دیگران بدون علم (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۲/۴-۵۸۲) گمراه کردن از حقیقت (طوسی، ۱۹۹۱: ۳۷۲/۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۴۹/۶) و اظهار خلاف واقع (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۹۱/۸) تفسیر کرده اند. گمراه کردن انسان از حقیقت و اظهار خلاف واقع نسبت به انسان که در کلمات مفسران و در ذیل این آیات بیان شده است، یکی از اقسام تغریر جاهل است که در توضیح قاعده بدان پرداخته شد. بنابراین، آیات شریفه پیش گفته، فی الجملة، می توانند مدرک برای قاعده حرمت تغریر جاهل باشند (محمودی، ۱۳۹۸: ۱۰۵). این داستان مصداق بارز «اغراء به جهل» است؛ به این معنا که خداوند با اجابت پنهانی دعای فرعون، عملاً او را قادر می سازد تا مردم را فریب دهد و در جهل و شرک نگه دارد. مردم با جاری شدن نیل و شنیدن ادعای فرعون، در باور به الوهیت او راسخ تر می شوند. از سویی دیگر، بر خداوند حکیم قبیح است که فعلی انجام دهد که نتیجه مستقیم آن، تقویت باطل و گمراهی بندگان باشد. این امر دقیقاً در نقطه مقابل فلسفه بعثت و هدایت الهی است که هدف آن خارج کردن مردم از تاریکی ها به سوی نور است. (الر کتَابُ أُنزِلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) (ابراهیم / ۱).

۳-۲. تناقض روایت با الگوی قرآنی توسل به انبیا

روایت رود نیل، با الگوی قرآنی توسل و جایگاه پیامبران در تعارض است. قرآن به صراحت نشان می دهد که قوم فرعون در مواجهه با بلاهای الهی، به حضرت موسی (ع) پناه می بردند و از او می خواستند



که به درگاه خداوند دعا کند (اعراف / ۱۳۴). این آیه به وضوح بیانگر نقش حضرت موسی (ع) به عنوان واسطه بین مردم و خداست. این روایت با نادیده گرفتن جایگاه حضرت موسی (ع) و نسبت دادن نقش واسطه فیض الهی به فرعون که دشمن خداست، یک اصل ثابت قرآنی را نقض می کند. این رویکرد به طور غیرمستقیم، جایگاه و اهمیت نبوت و نقش پیامبران در هدایت مردم را تضعیف می سازد. از منظر قرآنی، توسل به غیر خداوند و پناه بردن به طاغوت برای حل مشکلات، عملی مردود و در تضاد با توحید است.

### ۳-۳-۳. تناقض در شیوة اتمام حجت و تعارض با عدل الهی

یکی از جدی ترین اشکالات این روایت، توجیه اجابت دعا به عنوان «اتمام حجت» بر فرعون است. در متن دعای علوی، این اتمام حجت با عبارت «أَخْذًا بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ وَ تَأْكِدًا لَهَا» توصیف شده است. این روش با الگوی قرآنی اتمام حجت که بر معجزات آشکار و علنی از طریق پیامبران مانند عصا و ید بیضا حضرت موسی تأکید دارد، در تضاد کامل است. قرآن بر این اصل استوار است که حجت الهی باید حقیقت را آشکار کند، درحالی که در این داستان، اجابت پنهانی دعا به فرعون فرصت می دهد تا با فریب کاری، مردم را بیشتر به پرستش خود وا دارد.

### ۴-۳-۳. استناد به داستان «حکم نوشتن فرعون بر علیه خودش»

فراز پایانی این بخش از دعا که می گوید: «فَكُتِبَ عَلَى نَفْسِهِ جُزَاءٌ مِنْهُ أَنْ جَزَاءَ ... بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ»، اشاره دارد که در آن جبرئیل (ع) در هیئت یک انسان، فرعون را فریب می دهد تا حکم غرق شدن یک بنده نافرمان را بنویسد و امضا کند. این داستان، مانند داستان پرشدن نیل، در قرآن نیامده و بخشی از روایات غیرمتواتر و اسرائیلیات است که اعتبار آن را خدشه دار می کند.

### ۴-۳. بررسی از منظر شواهد تاریخی

افزون بر اشکالات سندی و محتوایی، ادعای مربوط به استجابت دعای فرعون در ماجرای نیل، با چالش فقدان شواهد تاریخی نیز مواجه است. رود نیل شریان حیاتی تمدن مصر و محور اصلی اقتصاد، و باورهای دینی آن جامعه بود. هرگونه رویداد خارق العاده مرتبط با آن، مانند خشکسالی شدید و بازگشت معجزه آسای آب، واقعه ای درخور ثبت و توجه محسوب می شد. باین حال، در منابع تاریخی که به شکل خاص به وقایع مصر و نیل پرداخته اند، همچون «اخبار نیل مصر» و «فضائل مصر المحروسة»، هیچ گزارشی از چنین رویدادی یافت نمی شود. مهم تر آنکه، در مجموعه عظیم اسناد به جامانده از خود تمدن مصر باستان، شامل کتیبه های معابد، سال نامه های سلطنتی و پاپیروس ها، نشانی از وقوع چنین بحران و رفع معجزه آسای آن که بتواند به فرعون منسوب شود، وجود ندارد. این سکوت منابع تاریخی، در کنار ضعف



روایات و تعارض محتوایی آن‌ها با مبانی دینی، اعتبار تاریخی این داستان را به‌طور جدی تضعیف کرده و در نتیجه، اعتبار استجابت دعای فرعون در این دعا را به‌طور کامل زیر سؤال می‌برد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته‌شده، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ضعف‌های موجود در سلسله سند دعا، از جمله ابهام در شخصیت برخی راویان کلیدی و عدم وجود اطلاعات کافی درباره آن‌ها در منابع رجال و تاریخی، اعتبار سندی این دعا را به‌شدت زیر سؤال می‌برد. علاوه بر این، شرایط دریافت دعا در عالم رؤیا، این نکته را تقویت می‌کند که صرف رؤیا نمی‌تواند مبنایی برای اثبات انتساب یک متن به معصوم (ع) باشد. از منظر محتوایی، وجود برخی عبارات و مضامین که با آموزه‌های قطعی قرآن کریم و روایات معصومین (ع) در تعارض است، اعتبار بخشی از دعا را بیش از پیش زیر سؤال می‌برد. استناد به استجابت دعای فرعون، با وجود کفر و عناد او و تصریح قرآن به عدم پذیرش توبه او در لحظه غرق‌شدن، با اصول مسلم دینی ناسازگار است. اگرچه برخی روایات به استجابت دعای فرعون در پرشدن رود نیل اشاره دارند، اما این روایات نیز از نظر سند و دلالت قطعی نیستند و نمی‌توانند توجیهی برای این عبارت در دعای علوی مصری باشند. حاصل این بحث آن است، در بررسی متون دینی منسوب به معصومین (ع) باید با رویکردی انتقادی و با بهره‌گیری از معیارهای علمی و مستند، به ارزیابی دقیق سندی و محتوایی آن‌ها پرداخت.

### فهرست منابع:

#### - قرآن کریم.

- ابراهیم انیس و دیگران. (۱۳۹۸). *المعجم الوسیط*. تهران: انتشارات اسلامی.
- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۲۷۱). *الجرح والتعديل*. حیدرآباد الدکن، الهند: طبعه مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- ابن‌ابی‌حدید، عبد الحمید بن هبه الله. (۱۳۸۰ ق). *شرح نهج البلاغة*. مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره).
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ ش). *علل الشرائع*. قم: ناشر.
- ----- (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمة*. مصصح: علی‌اکبر غفاری. قم: اسلامیه
- ----- (۱۳۹۸ ق). *التوحيد*. قم: جامعه مدرسین.
- ----- (۱۴۱۳ ق). *من لا يحضره الفقيه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن تغردی بردی، یوسف. (۱۳۹۲ ق). *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة*. مصر: وزارة الثقافة والارشاد القومي.



- ابن جوزی، ابو الفرج. (بی تا). **المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱ق). **مهج الدعوات و منهج العبادات**. محقق/مصحح: کرمانی، ابوطالب و محرر: محمد حسن، قم: دار الذخائر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۲ق). **تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دارالمعرفه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۲ هـ). **مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر**. دمشق: دار فکر للطباعة و التوزیع.
- ----- (۱۴۰۸ هـ). **لسان العرب**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ستادی، کاظم. (۱۴۰۲). «نکاتی در اعتبارسنجی ادعیه و زیارات کتاب مفاتیح الجنان». فصلنامه علمی **مطالعات ادبیات شیعی**. سال دوم. شماره پنجم، صص ۵۳-۷۸.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۸۳). **رجال البرقی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بصری، احمد بن اسماعیل. (۱۴۳۱). **الجواب المنیر عبر الاثیر**. بی جا: انتشارات انصار امام مهدی (ع).
- بخاری، أبو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم الجعفی. (بی تا). **التاریخ الكبير**. بی جا.
- جرجانی، ابو احمد بن عدی. (۱۴۱۸ هـ). **الکامل فی ضعف الرجال**. بیروت: کتاب علمی.
- جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۸ ش). **نسیم اندیشه (دفتر اول)**. قم: اسراء.
- حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ هـ). **خلاصه الاقوال**. قم: دار الذخائر.
- الحویری، محمود محمد. (۲۰۰۲). **مصر فی العصور الوسطی من العصر المسیحی حتی الفتح العثماني**. مصر: الکتب المصریه التوزیع المطبوعات.
- خضالی، عیسی بن حسین. (۱۳۶۳). **فرهنگ معین**. تهران: چاپخانه سپهر.
- خلف، نجم عبد الرحمن. (۱۴۰۹). **معجم الجرح والتعديل لرجال السنن الكبرى، مع دراسة إضافية لمنهج البيهقي في نقد الرواة في ضوء السنن الكبرى**. بی جا: دار الراءیه للنشر والتوزیع الطبعة.
- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۰). **معجم الرجال الحديث**. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- دوزدوزانی، یدالله. (۱۴۱۳). **تحقیق لطیف حول التوقیع الشریف**. قم: موسسه سیدالشهداء.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. (۱۴۰۹). **تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و اعلام**. بیروت: دارالکتب العربی.
- ----- (۱۴۲۷ هـ). **سیر اعلام النبلاء**. القاهرة: دارالحديث.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۳ هـ). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان**. تهران: ناصر خسرو.
- ----- (۱۴۱۲ ق). **تفسیر جوامع الجامع**. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- طبری، محمد ابن جریر. (بی تا). **تاریخ الامم و الملوك**. بیروت: بی تا.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۰۸). **مجمع البحرين**. بی جا: انتشارات مکتب النشر الثقافه الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷ ق). **العدد فی أصول الفقه**. قم: محمد تقی علاقبندیان.
- ----- (۱۹۹۹ م). **التبیان**. بیروت: دار الاحباء التراث.
- ----- (۱۳۸۱). **الرجال**. نجف: المکتبة المرتضویه.



- علم الهدی، علی بن الحسین. (۱۴۰۵ ق). **الحدود و الحقایق**. قم: دار القرآن الکریم.
- علی ابراهیم، حسن. (۱۹۴۵). **مصر فی العصور الوسطی: من الفتح العربی الی الفتح العثماني**. القاهرة: مکتبة النهضة المصرية.
- العمیدی الحسینی، سید ثامر هاشم. (۱۳۷۶). «مع الصدوق و کتابه الفقیه». **علوم حدیث**. شماره ۲. صص ۱۰۷-۱۸۰.
- غفاری، علی اکبر. (۱۴۰۳ ق). **الفقیه**. قم: انتشارات اسلامی.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ هـ). **القاموس المحیط**. بیروت: دارالعلمیه.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). **الجامع لأحكام القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶). **الوافی**. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی. (۱۴۱۸). **البلد الامین و الدرع الحصین**. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- مبروک أبو زید، محمد. (۲۰۲۳). **حرب الإسرائیلیات فی صدر الإسلام**. الحوار المتمدن المحور: دراسات وابحث فی التاریخ والتراث واللغات فی التاریخ والتراث واللغات.
- متقی نژاد، مرتضی. (۱۳۹۷). «قاعده قبح اغراء به جهل و کاربست آن در علم کلام». **پژوهش های اعتقادی کلامی**. شماره ۳۰، دوره ۸. صص ۱۳۵-۱۵۲.
- مجتهدی سیستانی، مرتضی. (۱۳۸۴). **صحیفه المهدیه**. مترجم: مؤسسه اسلامی ترجمه. مصصح ترجمه: محمد ظریف. محمد حسین رحیمیان. قم: نشر حاذق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳). **بحار الأنوار**. محقق/مصصح: جمعی از محققان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۷). **شناخت نامه حدیث**. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
- محمودی، اکبر. (۱۳۹۸). «بررسی قاعده فقهی حرمت تغریر جاهل». فصل نامه علمی پژوهشی **فقه**. شماره ۳. صص ۱۰۱-۱۲۶.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). **الأمالی**. محقق/مصصح: حسین استادولی. علی اکبر غفاری. قم. ناشر: کنگره شیخ مفید.
- موسوی، محسن. (۱۴۰۰). «اعتبار سنجی دعای عدیله»، دوفصل نامه علمی **مطالعات قرآن و حدیث**. سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۸۲)، بهار و تابستان، ۱۴۰۰.
- نراقی، احمد بن محمد بن مهدی. (بی تا). **مناهج الأحكام و الاصول**. قم: نشر مؤلف.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

